تحلیل روان شناختی رفتارهای اشتباه نقش های اصلی فیلم «آستیگمات» که اعضای یک خانواده هستند

شوهری مسئولیت گریز، خانمی متوقع و پسری سرخورده!

جواد غفوری نسب | مشاور خانواده

تحلیل فیلم

فیلم «آستیگمات» که به تازگی میزان فروش آن از مرز یک میلیارد تومان هم گذشت و این روزها طبق آمار، انتخاب اول مشهدی ها برای تماشا در سینماست، زندگی خانواده ای درگیر با مشکلات مالی و روان شناختی را نشان می دهد که زوجی به نام مهران (با بازی محسن کیایی) و سمیرا (با نقش آفرینی باران کوثری) آن را تشکیل داده اند. در ادامه نگاهی روان شناسانه به این فیلم و نقش های اصلی اش خواهیم داشت.

فیلمی درس آموز برای خانواده ها

قبل از هر چیز باید بگویم، «آستیگمات» فیلمی است که برای دیدن آن باید دقت و حوصله به خرج داد چرا که می تواند برای بعضی خانواده ها، درس های زیادی داشته باشد. در داستان این فیلم حق با همه است و در عین حال همه مقصر هستند. داستان درباره خانواده ای است که پدر خانواده به دلیل مشکلات عدیده ای که داشته از خانواده طرد شده و مادر خانواده تأمین کننده اصلی مخارج خانواده است. پسر خانواده یعنی مهران که به تازگی ازدواج کرده به خاطر الکلی بودن از کارش اخراج شده و رو به شغل پرورش زالو آورده که آینده مبهمی دارد و حتی باعث شده که همسرش سمیرا به دنبال جدایی باشد. کسری، پسر مهران هم که دانش آموز خوبی بوده ولی تحت تأثیر رخدادهای فعلی دچار افت تحصیلی شده است، دیگر بازیگر اصلی این فیلم است. جدای از مشکلات و اشتباهات رفتاری واضح نقش های اصلی این فیلم که هر بیننده ای متوجه آن می شود، یک سری مسائل ریزتر اما تأثیر گذار در این شخصیت ها وجود دارد که از لحاظ روان شناسی موثر هستند و کاش بیننده ها متوجه آن ها هم بشوند. منظورمان رفتارهای مادر مهران، مهران، سمیرا و کسری است.

مادر مهران

مادری که فقط فداکاری می کند

فداکاری های مادر در این فیلم به دلیل بی مسئولیتی های پسر و عروسش در قبال زندگی مشترک شان به چشم می آید. شرایط مهران باعث شده که درآمد مادر کاملا صرف گذران زندگی او شود و حتی بار مراقبت و توجه به نوه اش کسری نیز بر دوش اوست. آن قدر مادر درگیر مشکلات زندگی مهران و سمیرا است که حتی فرصت رسیدگی به درد مچ دستش را ندارد و آن قدر بی محبتی دیده است که برای قطع ارتباط با مردی که بعدها می فهمد همسر دارد، دچار تردید می شود. این مادر باید بداند که بی مسئولیتی های پسر و عروس اش دقیقا به دلیل همین فداکاری های بی منطق است. در واقع مهران تحت تأثیر فداکاری و حضور همیشگی مادرش یاد نگرفته که چطور مسئولیت پذیر باشد و چطور برای حفظ زندگی اش تلاش کند. دلبستگی ناسالمی که حاصل یک پدر خشن و بی مسئولیت و یک مادر فداکار حاضر به خدمت بوده، نتیجه اش مهرانی است که برای تغییر شرایط هیچ توانمندی در خودش نمی بیند و نمی تواند تصمیم های مهم برای پیشبرد زندگی اش اتخاذ کند.

مهران

شوهری که مهارت حل مسئله را بلد نیست

مهران تک پسر است و به علت مشکلات پدر و مادرش و جدایی آن ها، همواره حمایت مادر را داشته و حالا که مسئول یک زندگی مشترک است، توانایی لازم برای تغییر شرایط را ندارد. پرورش زالو کار اشتباهی نیست اما نسخه مناسبی برای شرایط فعلی مهران به نظر نمی رسد. وضعیت مهران در نتیجه نداشتن قدرت تصمیم گیری و حل مسئله است. بخشی از این ناتوانی مهران به حمایت های بی دریغ مادر مرتبط است اما بخش زیادی از آن را باید مهران خودش به دست می آورد. مهران یاد نگرفته مشورت کند، مهران بلد نیست گوش کند و نمی تواند تصمیم های خودش را از حالت فردی به حالت خانوادگی ارتقا ببخشد. اگر مهران مجرد بود، شاید پرورش زالو می توانست گزینه خوبی باشد اما برای پیشبرد یک زندگی با تمام مسئولیت هایش، گزینه های بهتری وجود دارد که باید دنبال آن ها بگردد.

سمیرا

زنی که فقط اعتراض می کند

سمیرا زنی است که می خواهد با مهران زندگی کند اما نه به این شکل. تا این جا می توان حق را به او داد اما نکته بسیار مهمی که سمیرا از آن غافل است، مشارکت در زندگی است. سمیرا می خواهد شرایط زندگی مشترک شان بهتر شود اما برای کمک به شوهرش و تغییر شرایط تلاشی نمی کند. در واقع او به جای آن که به مهران کمک کند تا تصمیم درستی بگیرد، سوهان روح او می شود و ذهنش را با اعتراض های مداوم مشوش می کند. در واقع هم مهران و هم سمیرا می خواهند که با هم زندگی خوبی داشته باشند اما نمی دانند چگونه! الگوی مادر و پدر مهران، در زندگی مشترک او در حال تکرار است. با این تفاوت که سمیرا مانند مادر مهران زنی فداکار، سازشگر و اهل کار و تلاش نیست. این مشکلات موجب شده در ذهن سمیرا، مهران مردی باشد که عرضه تأمین زندگی را ندارد و انتخاب هایش اشتباه است و همین مسئله، اعتماد به مهران را در ذهن سمیرا، کشته است تا حدی که در ماجرای گم شدن حلقه ازدواجش، اولین و قطعی ترین گزینه را مهران می داند.

کسری

پسری که یک الگوی درست در خانواده ندارد

کسری دانش آموزی است که کودکی نمی کند و خیلی زود با واقعیت های زشت زندگی روبه رو می شود. آستیگماتیسم یعنی دوبینی. شاید کارگردان با این عنوان و اختصاص آن به کسری می خواسته این واقعیت را نشان دهد که کودکان در رویارویی با رخدادهای اطراف خود، برداشت های واضح و خالص یک انسان بالغ را ندارند و ممکن است برای رویارویی با یک مشکل از راهکارهایی استفاده کنند که بیشتر دردسرساز باشد. اما در خصوص کسری، یک عامل بسیار مهم دیگر نیز وجود دارد. بی مسئولیتی مهران و سمیرا در خصوص کسری موجب شده تا او ابتدا به مادربزرگش وسپس آموزگارش و در انتها پدربزرگش پناه ببرد. ابراز احساسات سمیرا به کسری مناسب یک کودک دوساله است نه یک نوجوان! رفتارهای مهران با کسری هم به گونه ای است که حتی وقتی مهران از کسری می خواهد مشکلاتش را با او در میان بگذارد، کسری این حرف او را خیلی جدی نمی گیرد چون اساسا مهران را پدری مقتدر که بتواند به او تکیه کند، نمی داند. در چنین حالتی که کسری نه از مادر توجه لازم را می بیند و نه پدرش فردی قابل اتکاست و به ارتباط مادربزرگش با یک مرد دیگر پی برده، از لحاظ عاطفی وابسته به آموزگار خود می شود و با نامه ای ابراز محبت می کند! کسری از پدرش مسئولیت گریزی، از مادرش متوقع بودن و از مادربزرگش پنهان کاری را می آموزد و در انتها هم به پدربزرگش پناه می برد چرا که هنوز از او نکته منفی ندیده که بخواهد از او هم رویگردان شود. در واقع کسری به بزرگ ترهایش بی اعتماد شده و آینده ای مبهم و پر از سوال در انتظارش است.

هشدار
خطر لوث شدن داستان

دختر ۳ ساله ام بسیار هیجانی و حراف است!

دو دختر ۳ و ۶ ساله دارم. دختر کوچکم بسیار هیجانی و زورگو و حراف است. گاهی اوقات از شدت عصبانیت او را تنبیه بدنی می کنیم. امان من و پدرش را بریده است. چه کنیم؟

ریحانه نوذریان | کارشناس ارشد روان شناسی و واقعیت درمانگر

تربیت فرزند

در دنیای امروز فرزندپروری یکی از کارهای پر دغدغه و پر مسئولیت است که بخش قابل توجهی از انرژی خانواده ها و به خصوص مادران را به خود اختصاص می دهد. کودک بدون مسئله وجود ندارد و در تمام خانواده ها، تعارضاتی در زمینه تربیت فرزندان بین زوج ها یا بین والدین و کودکان به وجود می آید. نکته مهم نحوه شایسته و کارآمد حل این تعارضات است. در این بین باید دانست که داشتن دو کودک با اختلاف سنی کم که هر کدام نیازهای متفاوتی دارند و تلاش برای مدیریت روابط می تواند گاه بسیار چالش برانگیز باشد. با این حال توصیه هایی به شما داریم.

فرزندان تان را با هم مقایسه نکنید

یکی از تله هایی که معمولا والدین در آن گرفتار می شوند، مقایسه فرزندشان با کودک دیگر یا مقایسه فرزندانشان با هم است. زمانی که شما با اختلاف چند سال به خصوص اگر فاصله سنی کم باشد، صاحب فرزند دیگری می شوید، هنوز خاطرات کودکی فرزند بزرگ تر در ذهن شما زنده است و در بسیاری از مواقع ممکن است ناخواسته فرزند کوچک تر را با فرزند بزرگ ترتان مقایسه کنید و اگر از بد شانسی کودک دوم، فرزند اولتان کودک آرامی بوده باشد آن وقت هر شیطنت یا هیجان دومی بسیار به چشم می آید. پس در اولین قدم مطمئن شوید که فرزندانتان را به عنوان دو فرد مجزا که هر کدام شخصیت خاص خودرا دارد، پذیرفته اید. این تفاوت ها می تواند در خلق، هیجان، اشتها، میزان خواب، صبوری، قدرت کلام، علاقه به نوازش و ... باشد. زمانی که بتوانیم تفاوت های فرزندانمان را بپذیریم، متوجه این واقعیت می شویم که با وجود این که هر دو فرزندان شما هستند ولی به دلیل تفاوت هایی که دارند، نیازهایشان متفاوت است پس نحوه برخورد با هر کدام باید مطابق با نیازهای او باشد. به طور مثال اگر فرزند دوم شما نیاز بیشتری به صحبت کردن دارد تا بتواند هیجاناتش را تخلیه کند، پس شما هم باید وقت بیشتری به عنوان یک شنونده فعال برای او بگذارید.

کودک تان نیازهای برآورده نشده ای ندارد

همان طور که گفته شد هر کودک با خلق و خو و مزاج خاص خود به دنیا می آید. برای همین بعضی از کودکان از همان زمان تولد خوش خلق تر یا آرام تر هستند و بعضی نه. در ابتدا نوزادان تنها از راه گریه ارتباط برقرار می کنند. هر زمان نیازی دارند، گریه می کنند و مادر کم کم قادر به تشخیص نیاز کودک از نوع گریه او می شود. هر چه کودک بزرگ تر شود، نیاز به ابزارهای کارآمدتری برای ایجاد ارتباط جهت برطرف کردن نیازهای خود دارد. این ابزارها را مراقبان کودک به او آموزش می دهند. به نظر می رسد که کودک شما ابزارهای لازم برای درست ارتباط برقرار کردن را فرانگرفته است. خوب است که در دوره های فرزندپروری شرکت کنید تا مهارت هایتان افزایش پیدا کند.

کودک تان به دنبال جلب توجه است

در سنین ابتدایی نیازهای کودکان بسیار ساده است و رفته رفته با بزرگ تر شدن، نیازهای آن ها نیز پیچیده می شود. دو تا سه سالگی سن من گفتن و لجبازی های کودکانه است. کودک در این سن از کلمه «نه» زیاد استفاده می کند و مایل است کارها را به تنهایی امتحان کند. آشنایی با روند رشد و نیازهای هر سن به مادر کمک شایانی در جهت تطابق با نیازهای فرزندش می کند. کودکان زمانی که نمی توانند نیازهایشان را برآورده کنند، دست به رفتارهایی در جهت جلب توجه شما می زنند.

تنبیه بدنی شما را به خواسته تان نمی رساند

به طور کلی اگر مایل هستید که رفتاری در کودک تان خاموش شود، با توجه به سن کودک تان توصیه می شود که آن رفتار را نادیده بگیرید تا حذف شود. دعوا کردن یا تنبیه بدنی شما را به خواسته تان نخواهد رساند زیرا کودکان متوجه اثر بد رفتار خود نیستند و زمانی که شما از سر بی حوصلگی یا استیصال کودک خود را تنبیه کلامی یا تنبیه بدنی می کنید، او نه تنها متوجه خطای خود نمی شود بلکه بیشتر گیج و عصبانی تر می شود.

چهارشنبه ها
دکوراسیون داخلی

زیباسازی خانه به سبک کلاسیک

راحله عجم اکرامی
طراح و ایده پرداز در زمینه دکوراسیون داخلی

در اولین مطلب از سری مطالب سبک های اصلی دکوراسیون منزل با ریزه کاری های دکوراسیون به سبک مدرن آشنا شدید. همان طور که گفته شد برای بهره بردن بیشتر از این سبک ها باید به هارمونی رنگ حاکم در فضا و سبک دکوراسیون نیز به خوبی دقت شود. در مطالب پیش رو سعی بر آن داریم تا به معرفی سبک کلاسیک و زیره کاری هایش بپردازیم.

از فرش و مبل کمک بگیرید

هر چقدر برای طراحی داخلی منزل خود وسایل خاص بخریم، باز هم باید از المان های اصلی که همیشه جزء جدایی ناپذیر دکوراسیون داخلی محسوب می شوند، استفاده کنیم. به عنوان مثال استفاده از سنگ های گران قیمت تزیینی یا پارکت های کف پوش بسیار مرغوب نمی توانند وجود فرش را نادیده بگیرند. یکی از مهم ترین دلایل این امر زیبایی بی نظیر فرش و تأثیر آن در چیدمان منزل است. شما با استفاده از یک فرش و یک سرویس مبل به راحتی می توانید یک فضای دنج برای نشیمن مهیا کنید. حال اگر فرشی در کار نباشد، این نوع طراحی به سختی صورت می گیرد و همیشه جای خالی آن احساس می شود.

ایده پردازی به سبک کلاسیک درست مثل بهره گرفتن از فرش های سنتی در طراحی داخلی است. زمانی که تصمیم گرفته اید به یک دکوراسیون کلاسیک دست پیدا کنید، به شما توصیه می کنیم وجود وسایل دکوری چوبی قدیمی در کنار فرش های ابریشمی را از یاد نبرید. وجود فرش های سنتی در دکوراسیون های شما یکی از نشانه های شروع یک چیدمان کلاسیک به شمار می آید.

ایده پردازی به سبک کلاسیک

دکوراسیون کردن اتاق نشیمن یا اتاق پذیرایی شما به وسیله مبل کلاسیک نیاز به تخصص حرفه ای دارد. شناخت رنگ، فضای انتخابی برای چیدمان و رنگ مناسب مبل برای دکوراسیون داخلی همگی عواملی هستند که در زمان طراحی باید به آن توجه شود. شما در گذر زمان نیاز به تعویض مبل های کلاسیک نخواهید داشت زیرا کیفیت و مرغوبیت بسیار بالای این سری از مبلمان مانع از تعویض زود هنگام آن برای شما می شود. مبل های کلاسیک به صورت چوبی ساخته می شوند و همین موضوع به ماندگاری بیشتر آن ها کمک کرده است. شما بدون هیچ گونه نگرانی می توانید به یک ایده پردازی شیک به سبک کلاسیک در منزل خود دست پیدا کنید. کافی است از سرویس مبل کلاسیک و فرش های لاکی سنتی در این راستا بهره بگیرید. در یک نتیجه گیری کلی می توانیم بگوییم دکور کردن مبل های کلاسیک کار لذت بخشی برای خانم های خانه دار است زیرا به راحتی می توانند پرده و فرش متناسب با آن را پیدا کنند.